



حسین پاک آیین
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

با رای ممتنع آمریکا، بالاخره پس از گذشت ۴۰ روز از جنایات رژیم صهیونیستی علیه اهالی غزه، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه آتش بس موقت در نوار غزه را تصویب کرد. این قطعنامه که به پیشنهاد مالت و با رای مثبت ۱۲ کشور تصویب شد از نادر قطعنامه‌هایی بود که با حق وتوی آمریکا مواجه نشد. در این رابطه نکات ذیل قابل توجه است. اگر چه تاکنون رژیم صهیونیستی از اجرای این سند بین‌المللی و پذیرش آتش‌بس، خودداری کرده اما رای ممتنع آمریکا به عنوان شریک اصلی جنایات اسرائیل، نشان می‌دهد که واشنگتن قصد ندارد مانند گذشته به این رژیم چک سفید داده و بدون چون و چرا از آن حمایت کند. در عین حال رای مثبت فرانسه و رای ممتنع انگلیس که هر دو شریک جرم رژیم اشغالگر هستند، نیز حکایت از همسویی این دو کشور با آمریکا در نوع تعامل با اسرائیل دارد. در واقع جنایات غیرانسانی و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی که با پورش به بیمارستان‌های غزه به اوج خود رسید، دیگر حتی برای رژیم‌های بی‌رحم همچون آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز نمی‌تواند قابل دفاع باشد. رویکرد کاهش هزینه‌های مالی، نظامی و حیثیتی آمریکا در حمایت از اسرائیل از دوران ریاست جمهوری اوباما آغاز شده است. اوباما در سفر به سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۱۱ علنا از اسرائیل خواست تا با همسایگان خود تعامل کرده و از آسیب‌های امنیتی خود بکاهد. این سخن اوباما، راهبرد آمریکا برای تبدیل اسرائیل به یک واحد سیاسی مستقل در غرب آسیا با حداقل وابستگی به آمریکا را علنی ساخت. این رویکرد در دوره ترامپ نیز به‌طور جدی دنبال شد و آمریکا در عین حمایت همه جانبه از اسرائیل، برای کاهش هزینه‌های خود در خاورمیانه سعی کرد با طرح پیمان ابراهیم و اعمال فشار بر اعراب برای عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر، وابستگی اسرائیل به آمریکا را کاهش دهد. ترامپ در برنامه خود، چین را دشمن اول آمریکا دانست و نشان داد که قصد دارد حضور خود در شرق آسیا را تقویت و مشارکت پُر هزینه خود در غرب آسیا را کاهش دهد. جو بایدن هم با خروج از افغانستان و تمرکز بر چین و روسیه، تمایل خود به کاهش هزینه در غرب آسیا را بروز داد. این تحولات حاکی از این است که راهبرد مشترک دو حزب جمهور یخواه و دموکرات این است که برای حفظ نظام تک قطبی با مهار چین و روسیه، اجازه تقویت چندجانبه گرایی را ندهند. برای رسیدن به این راهبرد، لازم است که هزینه‌های حمایت از اسرائیل در غرب آسیا کاهش یافته و این رژیم بتواند در سازش با همسایگان، هزینه‌های امنیتی خود را کاهش دهد. سردمداران اسرائیل که به‌تدریج متوجه کاهش انگیزه آمریکا برای حضور پرهزینه در خاورمیانه و تمرکز کاخ سفید به مهار روسیه و چین شده بودند، در صدد تدابیری برای حفظ آمریکا در این منطقه شدند. پرهیز برای پذیرش طرح دو دولت و برهم زدن بازی آمریکا، نیاز به یک جنگ داشت چرا که با وقوع جنگ، آمریکا نمی‌توانست حمایت خود برای تأمین امنیت رژیم اشغالگر را کاهش دهد. با حضور نتانیاهو به عنوان یک فرد افراطی و بی‌رحم در مسند نخست‌وزیری اسرائیل، انتظار می‌رفت فشارهای این رژیم بر مردم فلسطین به‌خصوص در غزه تا وقوع یک جنگ فراگیر دنبال شود. حمله ناجوانمردانه به جنین و کشتار بی‌رحمانه آوارگان فلسطینی، حملات متناوب و مستمر به اهالی کرانه باختری و غزه، هتک حرمت بی‌سابقه به مسجد الاقصی، تحریک عناصر هتاک به قرآن در دامنارک برای تحریک مسلمانان و... اقدامات مقدماتی نتانیاهو برای حمله به غزه و کرانه باختری بود. همین اقدامات موجب پیش‌دستانه مجاهدین فلسطینی در چارچوب یک اقدام بازدارنده شد و خسارات غیرقابل ترمیم به اسرائیل وارد کرد. جنگ غزه موجب شد که یابدن پس از ۳ سال سرسنگینی با نتانیاهو، برای نمایش حمایت خود از رژیم اشغالگر به تل آویو برود و مدیریت جنگ را در اوضاع ناپسامن اسرائیل به عهده گیرد. جنایات اسرائیل در غزه، موضوع عادی سازی روابط با اعراب را به حاشیه برد و طرح تأسیس دو دولت را مختل ساخت. آمریکا نیز با پرداخت هزینه سنگین مالی و آوردن نیرو و کشتی جنگی به مدیترانه، شریک اول جنایات اسرائیل شد. جالب اینکه اروپا در پرداخت هزینه‌های جنگ با آمریکا همراه نشد و تلویحا همچان گونه که آمریکا هزینه جنگ اوکراین را به گردن اروپا انداخت، اروپایی‌ها نیز پرداخت هزینه برای تأمین امنیت اسرائیل را وظیفه آمریکا دانستند. اینک کاخ سفید احساس می‌کند که بازنده جنگ غزه است چون در کنار پرداخت هزینه‌های سنگین جنگ، به‌خاطر جنایات اسرائیل، هزینه‌های سنگین حیثیتی نیز متحمل شده است. از سوی دیگر جنگ غزه، راهبرد آمریکا برای مقابله با چین و روسیه را دچار اختلال کرد و به این دو کشور فرصت داد تا از درگیری آمریکا در جنگ غزه بیش‌ترین بهره‌برداری را برای تحقق اهداف خود بنمایند. امروز آمریکا در کنار حمایت از اسرائیل به این رژیم به عنوان یک مزاحم نگاه می‌کند. بایدن به‌رغم ژست‌های ژورنالیستی در حمایت از رژیم صهیونیستی، نه تنها از نتانیاهو راضی نیست بلکه او را مسبب ناکامی‌های طرح‌های راهبردی آمریکا می‌داند. شاید تفوریسین‌های آمریکا به یابدن گفته باشند که فلسطین و حماس خواهند ماند و ریشه جریان نتانیاهو خواهد خشکید و نباید روی اسب بازنده شریطندی کرد. رای ممتنع آمریکا به قطعنامه اخیر شورای امنیت به‌طور سربسته می‌گوید که آمریکا دیگر نمی‌تواند بدون قید و شرط از اسرائیل حمایت کند.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت‌ها در ایران بیشتر اختلال آفرین بوده‌اند

دولت‌های بیشتر به دنبال تصاحب قدرت بوده‌اند

تا سامان دهی نظام اجتماعی

ایران از نظر تاریخی یک کشور حادثه‌خیز است



آرمان ملی – احسان انصاری: بحران و ترس از آغاز جنگ در منطقه خاورمیانه همواره وجود داشته و این منطقه از نظر ژئوپلیتیکی بحران خیز ترین منطقه جهان به شمار می‌رود. با نگاهی به تاریخ این منطقه می‌توان به این نتیجه رسید که این منطقه همواره آبستن کودتا، انقلاب، جنگ و تغییرات خشن سیاسی بوده است. این در حالی است که هراس از آغاز یک جنگ در دهه‌های گذشته همواره در جامعه ایران نیز وجود داشته و بر ساحت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه سایه افکنده است. در شرایط کنونی نیز خاورمیانه با توجه به جنگ بین اسرائیل و حماس، آبستن یک جنگ فراگیر است. جامعه ایران در طول تاریخ خود آبستن حوادث زیادی بوده و با جنگ‌ها و چالش‌های متعددی دست و پنجه نرم کرده است. به همین دلیل نیز بحران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی با سرنوشت مردم ایران هم‌راز بوده است. شاید به همین دلیل نیز بوده که برخی مسئولان سال‌هاست وضعیت خاص، شرایط خطیر و نیاز به تدبیر و بزه‌سخن می‌گویند. با این وجود این مسأله مردم خاورمیانه را خسته کرده و لذت زندگی آنها را کاهش داده است. هنگامی که مردم یک جامعه لذت کمتری از ندگی ببرند نیز آن جامعه آبستن خشونت، افسردگی و دیگر چالش‌های اجتماعی است. به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی ریشه‌های تاریخی بحران در خاورمیانه و ایران و پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن «آرمان ملی» با دکتر تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

◀ چه مولفه‌های داخلی و خارجی وجود دارد که یک جامعه مانند ایران در درازمدت در وضعیت بحرانی یا شرایط خطریر قرار بگیرد؟ آیا ریشه‌های این مسأله را باید در تاریخ جست و جو کرد؟

ایران کشوری است که همواره در معرض حادثه قرار داشته است. این مسأله به خوبی در سفرنامه‌هایی که درباره ایران نوشته شده مشهود است. ایران در منطقه‌ای از جهان قرار گرفته که حادثه خیز بوده و همواره با حوادث کوچک و بزرگ مواجه بوده است. مهم‌ترین دلایل حادثه برای ایران نیز نفت بوده است. مسأله دیگر وجود رژیم‌ی مانند اسرائیل در منطقه خاورمیانه است که اگر چنین رژیم‌ی در این منطقه وجود نداشت بخش مهمی از مشکلات ایران کاهش پیدا می‌کرد. اختلاف نظر بین دیدگاه شیعه و سنی در منطقه خاورمیانه یکی دیگر از مولفه‌های اصلی بحران آفرینی در منطقه بوده است. ایران به عنوان یک کشور شیعه در بین کشورهای مسلمانی قرار گرفته که اغلب آنها سنی هستند و همین مسأله همواره محل مناقشه بوده است. دغدغه‌های جهانی شدن اسلام و گسترش عدالت اجتماعی به همه جهان نیز مناقشه دیگری است که در این زمینه وجود دارد. اسلام مدعی صدور آموزه‌های انسانی مانند عدالت اجتماعی به کشورهای جهان است که برخی از ادیان دیگر این مسأله را بر نمی‌تابند. ایران در گذشته در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و جدال و نزاع‌های خونینی برای حفظ این جاده از سرگذرانده است. این در حالی است که امروز روایت‌های ساده و مسالمت آمیزی از جاده ابریشم ارائه می‌کنند که واقعیت ندارد و بلکه نزاع‌ها خونینی در گذشته در این زمینه وجود داشته است. در دوران صفویه و قاجار نیز نزاع‌های خونینی در کشور بر سر قدرت به وجود آمده که در نهایت در نهضت مشروطیت تبلور پیدا کرده است. نهضت مشروطه در ایران براساس تعارض بین بورژوازی ملی، بورژوازی جهانی و فئودالیسم اتفاق افتد. نشانه‌های این اتفاق در دنیای سیاست است اما ریشه در اقتصاد دارد. با ظهور نفت در ایران نفت به موضوع نزاع و مناقشه تبدیل شد و هر کسی به دنبال تصاحب منابع نفتی ایران بوده است. همه این مسائل دست‌به‌دست هم داده تا ایران به یک کشور حادثه‌خیز تبدیل شود. این وضعیت تا انقلاب اسلامی سال ۵۷ ادامه داشت، اما در این مقطع زمانی برخی تغییرات سبب بروز حوادث جدیدی برای ایران شده است.

◀ بروز حوادث در ایران در قبل و بعد از انقلاب چه تفاوتی با هم داشته‌اند؟

انقلاب سال ۵۷ در ایران تفکری و نیروهای را بر سر کار گذاشت که در راستای تصاحب قدرت عمل کرده‌اند تا اینکه به دنبال سامان‌دهی نظام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشند. رضا شاه هنگامی که بر سر کارآمده دنبال این بود که ایران را از نظر مرز جغرافیایی منسجم کند. همین مسأله جابه جایی جمعیت را در ایران تشدید کرد. در چنین شرایطی ایلات و عشایر جابه جاشدند و ساختارهای جمعیتی شهرها و روستاها به هم خورد. در دوران جمهوری اسلامی نیز ما در مقوله توسعه به دنبال همسان سازی حرکت کردیم. در چنین شرایطی بدون منطق خاصی ثروت را بین مناطق مختلف کشور توزیع کردیم. دولت‌ها بیشتر اختلال آفرین بوده‌اند تا اهرمی برای سامان‌دهی سیاسی و اجتماعی. از سوی دیگر گروه‌های سیاسی و احزاب نیز کمکی به سامان‌دهی سیاسی در ایران نکرده‌اند. گ برخی گروه‌های سیاسی همواره تعارض آفرین بوده‌اند و بحران‌های طبیعی را به بحران‌های غیر طبیعی تبدیل کرده‌اند. به عنوان مثال

◀ بروز حوادث در ایران در قبل و بعد از انقلاب چه تفاوتی با هم داشته‌اند؟

انقلاب سال ۵۷ در ایران تفکری و نیروهای را بر سر کار

جامعه‌ای که به صورت مرتب هیجانی می‌شود نیز در درازمدت دچار خستگی می‌شود. این خستگی به این معنا نیست که اگر در آینده هیجانی در جامعه ایجاد شود در آن شرکت نکنند. در چنین شرایطی این امکان وجود دارد که مردم دوباره در این فضای هیجانی حضور داشته باشند. این خستگی در نهایت مزمن می‌شود. با این وجود افراد خسته جامعه ترجیح می‌دهند در فضای هیجانی به هر شکلی که می‌توانند خود را تخلیه کنند

اگر دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی درباره قومیت‌ها در ایران را مورد بررسی قرار بدهیم متوجه می‌شویم که گروه‌های سیاسی به چه میزان به مسأله قومیت‌ها در ایران آسیب زده‌اند.

◀ آیا بحران درازمدت تاریخی به همراه منازعه سیاسی لذت زندگی را کاهش نداده است؟

بله! این بحران‌ها لذت زندگی را کاهش می‌دهد. هنگامی که اغلب گروه‌های سیاسی بر مبنای منطق اجتماعی حرکت نمی‌کنند مجبور هستند برگرده هیجانات اجتماعی سوار شوند. جامعه‌ای که به صورت مرتب هیجانی می‌شود نیز در درازمدت دچار خستگی می‌شود. این خستگی به این معنا نیست که اگر در آینده هیجانی در جامعه ایجاد شود در آن شرکت نکنند. در چنین شرایطی این امکان وجود دارد که مردم دوباره در این فضای هیجانی حضور داشته باشند. این خستگی در نهایت مزمن می‌شود. با این وجود افراد خسته جامعه ترجیح می‌دهند در فضای هیجانی به هر شکلی که می‌توانند خود را تخلیه کنند. هنگامی که مردم جامعه در فضای هیجانی زندگی می‌کنند اشغال خود را بیرون می‌ریزند، با همسایه دعوا می‌کنند، سر کار دیر می‌روند، کلاهبرداری می‌کنند، رشوه می‌دهند و رشوه می‌گیرند.

◀ تنش درازمدت در یک جامعه در فرایند نهاده‌سازی شخصیت افراد جامعه چه تأثیری می‌گذارد؟

مردم ایران مردمی جهانی هستند و دوست دارند با ملت‌های دیگر جهان در ارتباط باشند. مردم ایران تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز بوده‌اند و به همین دلیل احساس می‌کنند مردم‌های مهم هستند. هزینه این مهم بودن را باید خود مردم بدهند و به همین دلیل در پرداخت این هزینه دچار مشکل شده‌اند. دولت‌ها نیز حاضر نبوده‌اند این هزینه را بپردازند. بسیاری از دولت‌های جهان هزینه‌های زیادی را انجام می‌دهند تا مردم خود را با جهان آشنا کنند.

◀ در چنین شرایطی مردم چه کنش یا واکنشی از خود بروز می‌دهند؟

مردم ایران تلاش بنیادینی انجام می‌دهند که زیست جهان خود را تغییر بدهند. اگر دنبال اصلاح شرایط هستیم باید دست از تندروری و رویکردهای هیجانی برداریم. در حوزه سیاست باید این نگاه ایدئولوژیک و زشت و زیبا و سیاه و سفید دیدن جهان از بین برود. در چنین شرایطی است که می‌توان گفت‌مان حاکم بر جامعه را گفت‌مان حافظ و سعدی و مولوی قرار داد و آموزه‌های انسانی آنها را مورد استفاده قرار داد. باید به دنبال مفاهیمی برویم که بوی همزیستی و رویکرد مسالمت‌آمیز از آن خارج شود. در شرایط کنونی طبقه متوسط این رویکرد را دنبال می‌کند و آن را مطالبه‌گری می‌کند. به همین دلیل نیز مشاهده می‌شود که این رویکرد به ساحت خانواده نیز وارد شده است. مردم از گفت‌مان‌های رادیکال خسته شده‌اند.

گرانی کشورهای عربی بابت طرح‌های اقتصادی‌شان

همه دولت‌های عربی می‌خواهند که جنگ تمام شود و همه می‌خواهند که کسی دیگر آن را خاتمه دهد. این پیام پیش پاافتاده و در عین حال بحث‌برانگیز ۲۲ عضو اتحادیه عرب و ۵۷ عضو سازمان همکاری‌های اسلامی بود و همه آن چیزی که از نشست فوق‌العاده یازدهم نوامبر آنان در ریاض بیرون آمد. چندین رهبر حاضر در این نشست، معیارهای دوگانه غرب در موضوع فلسطین را تقبیح کردند. آنها همچنین خواستار شکسته شدن محاصره غزه شدند حال آنکه این مصر است که تقریباً در بیست سال گذشته، به این محاصره کمک کرده است. هیچ یک از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، به اسرائیل سلاح نمی‌دهد، اما البته برخی‌شان از اسرائیل سلاح می‌خرند. واقعیت‌های بین خطوط را بخوانید تا سرشت این نشست سران برایتان روشن شود. تناقضات عمیقی در دل واکنش منطقه به جنگ غزه وجود دارد. برای مثال، بسیاری از کشورهای عربی خلیج فارس دوست دارند که اسرائیل در نبرد با حماس پیروز شود حتی در شرایطی که هراس دارند چنین کاری، آتش تندروری را در کشورهای خودشان روشن کند. آن‌ها مایلند که نظامیان «محور مقاومت» آسیب ببینند، اما نگرانند که خودشان هم در کوران این آتش گیر بيفتند. چندین سال است که آن‌ها از خاورمیانه تازه‌ای سخن می‌گویند که بر اقتصاد و نه ایدئولوژی تمرکز دارد. اکنون می‌ترسند که یک جنگ طولانی در غزه، چنین طرح‌هایی را ناکار سازد. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری ایران، تقریباً چهل دقیقه در این نشست سخنرانی کرد. او در بخشی از سخنانش از کشورهای اسلامی خواست که برای فلسطینی‌ها سلاح بفرستند. این پیشنهاد، نادیده گرفته شد. چندین شرکت‌کننده دیگر خواهان تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی علیه اسرائیل شدند، اما این پیشنهاد هم کنار گذاشته شد. پیشنهاد تحریم نفتی علیه اسرائیل هم به جایی نرسید. سعودی‌ها تصمیم گرفتند که مراسم «فصل ریاض» را برگزار کنند: یک جشنواره سالانه به بخشی از برنامه محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی برای گشایش در محدودیت‌های فرهنگی کشور است. این کار انتقاداتی را برانگیخت: ولیعهد می‌خواهد مردم در ریاض تفریح کنند در حالی که مردم در غزه می‌میرند. این انتقادات، موجب آزرگی سعودی‌ها شد: گویی فقط آن‌ها جشن گرفته‌اند و بقیه منطقه عزادارند! انتباهی داستان، بیشتر منطقه همان زندگی معمول خود را دارد. گفت‌وگوی رو در روی بن سلمان و رئیسی نشان داد که آشتی آن‌ها هنوز برقرار است. هیچ کس – دست‌کم در حال حاضر – خواهان یک جنگ منطقه‌ای نیست. در درازمدت اما، رخدادهای شش هفته گذشته به ما یادآوری می‌کند که آرامش اخیر خاورمیانه، شکننده است. این منطقه هنوز هم در تقاطع یک منازعه بی‌پایان و پایان‌دانه به منازعات گرفتار است و جنگ غزه، تنها این گرینه را صیقل داده است. محمدالاحیاء، عضو سعودی مرکز بلفر در دانشگاه هاروارد می‌گوید: «اگر اردوگاه صلح شکست بخورد، باید در انتظار یک جنگ گسترده‌تر بود.» اما برای موفقیت صلح، اسرائیل باید امتیاز بدهد که بعید است. اما به نظر نمی‌رسد که دولت راستگرای اسرائیل و دولت فلسطین، آماده احیای گفت‌وگوهای صلح باشند. با این همه، آغاز گفت‌وگوهای صلح، بهترین امیدواری دولت‌های عربی است. ایالات متحده آمریکا آن‌ها را تحقیر کرده است که در یک نیروی بین‌المللی برای تأمین امنیت پس از جنگ مشارکت کنند. فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه سعودی در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی پس از نشست سران کنفرانس اسلامی، به خبرنگاران گفت که از او درباره شرایط بعد از جنگ غزه سوال نپرسند. وی گفت: «هنوا آینده، همان یک آتش بس فوری است و این موضع یکپارچه کشورهای عربی است.» دیپلمات‌های عرب می‌گویند که هرچه این جنگ بیشتر به درازا بکشد، دشوارتر بتوان تصور کرد که در آینده رخ‌خ خواهد داد.

انتقاد جوکار از عدم اجرای

دقیق قانون

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور از عدم اجرای دقیق قانون بیمه کارگران ساختمانی از سوی سازمان تأمین اجتماعی انتقاد کرد. محمد صالح جوکار در تذکری شفاهی در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی بیان کرد: متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی به دنبال اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی همچنان از مردم براساس قانون قبلی وجوهی را دریافت می‌کند و استدلالش این است که افرادی که در سامانه ثبت نام و فیش دریافت کرده‌اند باید براساس قانون قبلی هزینه را بپردازند در حالی که این در توان مردم نیست. وی در ادامه اظهار کرد: مافوقان برای مردم اصلاح کردیم چرا که مردم توان پرداخت این مبالغ را نداشتند. انکار می‌کند که سازمان تأمین اجتماعی تذکر داده‌شود تا قانون را اجرایی کند. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به تذکر جوکار بیان کرد: این موضوع به ما منعکس شده است. قطعاً وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به این موضوع توجه خواهد کرد و قانون اجرایی خواهد شد.